

گفتگو با د. فریدون رحمانی

”

دکتر فریدون رحمانی در سال ۱۹۹۹ از دانشگاه وین دکترای جامعه‌شناسی دریافت کرده است. از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ در دانشگاه‌های جنوب کوردستان از جمله دانشگاه صلاح الدین (هولیر)، دانشگاه دهوک، دانشگاه کویه و دانشگاه لبنانی - فرانسوی اربیل به تدریس جامعه‌شناسی مشغول بوده و مدتی هم ریاست بخش جامعه‌شناسی دانشگاه دهوک را به عهده داشته است. دکتر رحمانی هم‌اکنون دانشیار و مدیر پروگرام مطالعات حقوق بشر و برابری اجتماعی دانشگاه یورک در کانادا می‌باشد. به مناسبت چاپ کتاب اخیر ایشان با عنوان «جوامع پشت بامی: پارادوکس خاورمیانه» با وی گفتگویی مکتوب داشتیم که در ادامه آن را خواهید خواند.

“



ارزشهای شخصی و عمومی جوامع خاورمیانه تضادی وجود دارد که میتواند به آسانی عامه‌ی مردم و نخبه‌ی حاکم را تحت تاثیر قرار دهد. تضادی آشتی ناپذیر و تاریخی که بعنوان پدیداری اجتماعی ویژگی اصلی جوامع خاورمیانه را تشکیل میدهد. ضمن آنکه مایلیم بیشتر در مورد خصوصیات این تضاد بدانیم، آیا اصولاً با وجود چنین تضادی میتوان از مفهوم جامعه برای توصیف اجتماعهای متنوع و زیست مشترک انسانها با هم در خاورمیانه استفاده کرد؟



من کشورهای خاورمیانه را جوامعی با ویژگیها و مشخصات منحصر به فرد دسته بندی نموده ام و بر این اساس آنها را جوامع پشت بامی نامگذاری کرده ام. هجوم و گریزهای تاریخی پایدار و گسترده، به همراه نظام های استبدادی تا دندان مسلح و ادیان و مذاهب دخالتگر در خاورمیانه همگی منجر به شکل گیری نوعی نظام ارزشی و فرهنگی دوگانه یا متضاد توأم با نوعی احساس ترس و بی اعتمادی گشته اند؛ ترس و بی اعتمادی نه فقط مابین شهروندان یک سرزمین بلکه میان مردم مناطق و حتی میان دولت و مردم یا ملت. دخالتهای بی شائبه حاکمان مستبد و نهاد دین همزمان شهروند خاورمیانه را تجهیز به نوعی سیستم دفاعی برای حفظ بقاء کرده است. این سیستم در بزنگاههای تاریخی گرچه ناجی افراد و تمدنها هم بوده، اما تضاد و دوگانگی اجتماعی - فرهنگی وسیع و پایداری را حاصل کرده که خود عامل مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متعاقب تری هم شده است.

معماری و ساختار فیزیکی سکونتگاهها، ساختمانها و پشت بامهای مسطح در اکثر قریب به اتفاق مناطق خاورمیانه به نوعی در گسترش وتداوم این تضادها دخیل بوده اند. در طول تاریخ پشت بامها نوعی فضا و محیط برای فرار از دست دولتها

و گروههای مداخله گر ایجاد کرده اند. دولتها و سازمانهای سیاسی، مذهبی یا فرهنگی نیز از این فضاها به نفع خود و برای اعمال کنترل بیشتر بر مردم استفاده کرده اند. پشت بامها نه فقط جایی برای نصب دیشه‌های تلویزیونی ممنوعه، بلکه محیطی امن تر برای دورهمی های سیاسی، عقیدتی یا سازمانی و حتی مأمنی برای معاشرت با دختر همسایه را فراهم میکند.

از زمان تسلط حسن صباح بر قلعه الموت تا آغاز اعدامهای انقلاب خمینی بر پشت بامهای مدارس علوی و رفاه در تهران و یا تسخیر موصل و الانبار و الرقه توسط داعشیان در عراق و سوریه پشت بامها به عنوان حوزه‌های کنترل سیاسی، نظامی - امنیتی و نیز نمایش اقتدار سبانه رژیمهای استبدادی گردیده است. در همان زمان که داعش، جوانان نافرمان و همجسگرایان را به طرز فجیعی از بالای پشت بامهای کرکوک و موصل و الرقه به پایین پرت می کرده اند، میلیشیا و مزدوران رژیم اسلامی ایران به فرمان مستقیم رهبر خامنه ای، تظاهرکنندگان جوان کف خیابان را از بالای پشت بامها هدف گلوله تک تیراندازان قرار داده و یا مورد شناسایی و پیگرد قرار می دادند. هم اپوزیسیون و هم نیروهای دولتی در سوریه، مصر، لبنان و یمن از پشت بامهای دولتی و عمومی برای اهداف سیاسی - امنیتی و نظامی به وفور استفاده کرده اند. اسراییل هم برای آموزشهای ویژه نظامی از چنین فضاهایی بهره جسته است. نمونه های استفاده امنیتی سیاسی، نظامی و حتی فرهنگی - اجتماعی از فضای پشت بامی در تمام کشورهای خاورمیانه بی شمارند. خاطرات بسیاری از پناهندگان و زندانیان سیاسی و نیز پیشمرگان کردی که از دست رژیم های استبدادی در ایران، عراق، سوریه و یا ترکیه گریخته اند، مملو از داستانهای چگونگی استفاده شان از فضاهای به هم پیوسته پشت بام منازل می باشد.

مردم جوامع خاورمیانه در طول تاریخ همواره در تقابلی کم نظیر میان فضای پشت بام و فضای کوچه و بازار در نوسان بوده اند. تقابلی که در

تاریخ و شخصیت انسان خاورمیانه رسوخ کرده و منجر به تضاد و دوگانگی گسترده‌ای شده است، که من در کتاب اخیر خودم انرا پارادوکس خاورمیانه نامیده‌ام. جامعه شناس سرشناس عراقی، «علی وردی» که مورد غضب صدام حسین هم بود در کتاب معروف خود پیرامون شخصیت انسان عراقی به خوبی از نوعی دوگانگی و تزلزل شخصیتی مردان عرب عراقی خبر می دهد. وی می گوید که مرد عراقی همزمان می تواند رول یک شهروند مدرن شهری را بازی کند و در همان زمان یک فرد کهنه پرست و سنتی و فوق العاده عشیرتی هم باشد. بر این اساس مرد عراقی در عین حال که بسیار مشتاق است تا همسر آینده خود را به شیوه ای مدرن و با صرف وقت در بار و رستوران و فضاهای عمومی انتخاب نماید، هرگز چنین امکان و اجازه ای را برای بستگان مونث خود روا نمی دارد!

سروش صورتبندی شما از مفهوم جوامع پشت بامی چیست؟ آیا میشود گفت ساختارهای عمومی و خصوصی که شما برای جوامع خاورمیانه در نظر میگیرید علاوه بر آنکه محل گریزی برای اقدامات سختگیرانه‌ی دولتهای مدرن به شمار میرود، همچنین میتواند برهمکنش اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بخصوصی را در جامعه پدید آورد؟

مردم جوامع خاورمیانه در طول تاریخ همواره مورد آزار، تعقیب و بازخواست حکومتهای مستبد و مداخله گر بوده اند. حکومت در تمامی امور از جمله خصوصی ترین شئون مردم دخالت کرده و هنوز هم می کند. به همین دلیل مردم همواره بدنبال مأوا و مفری برای فرار از دست حاکمان و گزمه‌هایشان هستند. پشت بام منازل در بیشتر مواقع یک فضای خصوصی را برای این مردمان فراهم کرده است. این فضا محیطی امنتر بدست میدهد، که فضاهای عمومی کوچک و بازار از آن بدوراند. نوسان



رفتار، حالتها و برخورد افراد در این دو فضا بسیار زیاد بوده و اکثرا وضعی متضاد و متناقض می گیرند. فشار سیاسی و فرهنگی حاکم، فرد را در فضاهای عمومی مطیع و مرعی قوانین رسمی کرده، ولی در همان حال پشت بام و فضاهای خصوصی همان فرد را طاعی و نافرمان نشان میدهد. فرد به آسانی و بسیار سریع رفتار، پوشش و روابط خود را بر حسب جا و فضای اجتماعی‌اش تغییر می دهد.

از سوی دیگر این محدودیت های سیاسی فرهنگی و اجتماعی اعمال شده توسط دولتهای خودکامه در خاورمیانه در بسیاری مواقع منجر به ایجاد تعاون و همکاریهای گروهی خاص گشته و گاه هسته‌های اولیه گروههای مقاومت و مبارزه علیه رژیمهای استبدادی را رقم زده است. تقریبا در تمامی کشورهای خاورمیانه بویژه به هنگام بهار عربی هم مخالفین حکومت و هم دولتیان و نیروهای امنیتی هر دو به نوبه خود از پشت بام منازل و ساختمان های دولتی برای اهداف متفاوت خود استفاده کرده اند. رضاشاه در ایران با اعمال اجباری سیاست های کشف حجاب، نیروهای سنتی و خانواده‌های مذهبی را وادار به روی آوری به پشت بامها برای اعمال مناسک دینی خود کرد. حامیان خمینی هم با پخش موعظه های وی بر پشت بام منازل و مساجد، مردم را دعوت به قیام علیه رژیم پهلوی می کردند. اعمال اعدام بر بام مدارس اسلامی علوی و رفاه در بدایت انقلاب و کشتار تظاهر کنندگان سالهای اخیر در جوانرود و تهران همگی مرا قانع کردند که انقلاب اسلامی خمینی را انقلاب پشت بامی بنامم.

سروش در جوامع مدرن هنگامی که حکومتهای توتالیتر فضاهای عمومی را هرچه بیشتر در اختیار میگیرند، ما با رشد فزاینده‌ی فرهنگی زیرزمینی مواجه میشویم که در آن جنبشهای مقاومت شکل میگیرند. تفاوت مفهوم فرهنگ پشت بامی با فرهنگ زیرزمینی را چه میبینید؟

رساندن آن است. هنگامی که شما از مفهوم جوامع پشتیبانی استفاده میکنید، به لحاظ نظری موضوع محوری این جوامع را چه وضعیتی باید دید؟

گرچه اولریش بک، با طرح تئوری جوامع خطرناک «Risikogesellschaften» بیشتر جوامع غربی و خطرات آلودگیهای صنعتیشان را مد نظر قرار داده، ولی این تئوری امروزه هم از نظر مدیریت صنعتی و حفاظت محیط زیست و هم از نظر مسائل سیاسی - اجتماعی بیشتر قابل تطبیق به کشورهای استبدادی خاورمیانه است. کشورهای خاورمیانه که بسیاری شان تولیدکننده محصولات نفت و گاز نیز می باشند، نه فقط تهدید جدی زیست محیطی بلکه مرکز فجایع بشری، جنگ، نسل کشی، مهاجرت اجباری و نقض پایدار حقوق بشر بوده اند. متأسفانه در خاورمیانه حفظ جان و امنیت انسانها در بهترین حالت امری ثانویه بوده، آنهم اگر در سیستمهای رسمی احیاناً محلی از اعراب بیابند. در واقع حفاظت جانی، امنیت عمومی و تامین حقوق اساسی انسانها جای خود را به حفظ قدرت و تامین منافع هیأت حاکمه به هر شکل و قیمت داده است. خاورمیانه از نظر تامین جانی و شرایط زندگی همواره جزء خطرناکترین مناطق جهان به شمار رفته. سیستم های سیاسی تمامیت خواه، مذاهب بسیار مداخله گر و نژادپرستی اقوام مسلط عرصه را بر همگان تنگ کرده و چرخه جنگ، کشتار، مهاجرت اجباری، اسیمیلسیون و تهدیدات دیگر را استمرار داده اند. اولین سازمان های تروریستی جهان در طول تاریخ در خاورمیانه شکل گرفته اند. در قرن دهم میلادی شیعیان اسماعیلیه ساکن قلعه الموت به رهبری حسن صباح، قریب به دویست سال به ترور و کشتار مردم و دولتمردان عباسی پرداختند و با ظهور مخفیانه در کوچه و بازار به شکار و ترور مخالفان خود دست می یازیدند و پس از انجام عملیات به پناهگاه خود در الموت بازمی گشتند.

من مایلم جوامع خاورمیانه ای را بیشتر دارای فرهنگی پشت بامی بخوانم تا زیرزمینی. چرا که گرچه در هردو مورد ترس و وحشت از سیستم های سیاسی خشن و بی رحم وجود دارد، ولی به نظر من مردم و کارگزاران حکومتی، هردو به نوعی نگران نیستند که مورد توجه طرف مقابل واقع شوند. مردم گاهی مایلند با اعتراض پشت بامی خود، نوعی مخالفت علنی و کم خطرتر را علیه سیستم سیاسی سازمان دهند، در حالی که حکومت با استفاده از فضای پشت بامی اقتدار، کنترل و استراتژی سرکوب را به نمایش می گذارد. فرهنگ زیر زمینی هم می تواند بخشی از فضاهای زندگی سیاسی - اجتماعی خاورمیانه باشد ولی به خاطر ماهیت بیشتر سیاسی - عقیدتی آنها کمتر شکل عام و فراگیرتری می یابند. بخصوص بدلیل پیگردهای امنیتی - نظامی بسیار شدیدتر دولتیان، کمتر می توان گستره و دامنه وسیعی برای این شبکه های زیرزمینی قائل شد.

در خاورمیانه رادیکال ترین و بنیادگراترین گروهها و سازمانهای سیاسی و عقیدتی چون داعش، القاعده و حزب الله هیچ ابائی در نمایش سببیت خود بر پشت بامها ندارند. مردم هم از این فضاها در عوض برای بسط و گسترش جنبشهای اعتراضی و یا برای مشارکت در این جنبشها استفاده می کنند. می توان به نوعی اظهار داشت که پشت بامها بیشتر سنگری برای جنبش های اجتماعی اند و فضاهای اندرونی تر و به اصطلاح زیرزمینی جنبش های سیاسی را تغذیه می کنند.

اولریش بک با استفاده از مفهوم جامعهی ریسک درصدد بود که تفاوتی بنیادین را در بین سرمایه داری کلاسیک و سرمایه داری متاخر توضیح دهد. به باور بک، موضوع محوری در مدرنیته کلاسیک ثروت و نحوه ی توزیع برابرتر آن است. درحالیکه در مدرنیته پیشرفته یا متاخر موضوع محوری خطر و نحوه ی پیشگیری از آن و به حداقل



شش ارتباط شهروندان با هم و همچنین با ساختارهای سیاسی در جوامع خاورمیانه عموماً آیا دارای آن خصوصیتی است که در دموکراسیهای غربی مشاهده میشود؟ آیا میتوان شکستگی انقلابها را در خاورمیانه با مفاهیم برساخته از مبنای نظری شما توضیح داد؟



در خاورمیانه روابط مردم بر مبنای ترس و بی اعتمادی شکل گرفته و در حالت عادی شهروندان اجازه یا توان ایجاد گردهماییهای سیاسی - فرهنگی یا اجتماعی خاص خود را ندارند، در حالی که شهروندان جوامع پیشرفته و دموکراسیهای غربی روابطشان بر پایه قانون لیبرال - دموکراتیک و اساسنامه جهانی حقوق بشر که حداکثر آزادیهای سیاسی، فردی و اجتماعی را برای همگان تضمین کرده، بنا شده است. به همین خاطر مردم جوامع جهان سوم همواره آماده طغیان و نافرمانی اند، به گونه ای که اگر روزی مفری بدست داد و حاکمان دستخوش اضمحلال گشته و یا کنترل از دستشان خارج شد، توده‌ها فرصت را غنیمت شمرده و آماده انقلاب می شوند. متأسفانه انقلابات خاورمیانه‌ای کمتر به بهبودی اوضاع مردم ختم شده اند و اکثراً دستخوش بازتولید خشونت و محرومیت هستند. رهبران سیاسی وابسته و فاسد، عدم اعتقاد عمومی به موازین دموکراسی و حقوق انسان، دروغ، ترس و بی اعتمادی پایدار و گسترده جوامع خاورمیانه را بیشتر از هر منطقه دیگر در جهان دستخوش بحران و ناپایداری سیاسی-اجتماعی کرده است. شهروندان دموکراسیهای غربی مجهز به شبکه‌هایی عظیم از نهادهای مدنی و مردمی هستند که بر تمامی ارگانهای رسمی سیاسی و غیر سیاسی نظارت و کنترل دارند. سوای این، دستگاههای مستقل و آگاه رسانه ای بی هیچ واهمه و ترسی به کار خبر رسانی و آگاه سازی عمومی مشغولند. بلعکس خاورمیانه خالی از نهادهای مدنی مستقل و آزاداند و هر تلاشی در ایجاد چنین نهادهایی با قوه قهری رژیمهای

استبدادی و سیستمهای امنیتی مواجه خواهند شد. رژیم سیاسی یا رسانه‌ها را با پوشش مالی به خود وابسته کرده و یا تحت امر و کنترل خود درآورده است. مستقلاًترین رسانه‌ها هم معمولاً به خودسانسوری اشتغال دارند. متأسفانه بسیاری هم یا جان خود را در این راه میدهند و یا روانه زندان و تبعید می گردند.

به این ترتیب انقلابات در خاورمیانه هم تابع قوانین حاکم بر جوامع پشت بامی‌اند، که طی آن ملت و دولت در هجوم و گریزی تاریخی همواره درصدد غلبه و کنترل دیگری هستند. عموماً نتیجه این کشمکشها نه رهایی و سرفرازی ملی، بلکه روی کار آمدن نخبگانی سیاسی با مشخصاتی مشابه‌اند. انگار که در باید بر همان پاشنه آشیل خود بچرخد.



بدون شک تاثیر دین و مخصوصاً دین اسلام در خاورمیانه در شکلگیری نحوه روابط اجتماعی به هرگونه نظریه‌پردازی تاثیرگذار است. شما چگونه با این موضوع روبرو شدید؟



جوامع هیچگاه از تاثیر ادیان و نهادهای دینی در امان نبوده اند، و به این زودیاها هم در آینده نمی توان در انتظار محوشدن این تاثیرات بود. مسئله اصلی قانونمند شدن نهاد دین و عدم اجازه ورود این نهاد به عرصه‌های عمومی به ویژه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. خاورمیانه مرکز اصلی شیوع بیشترین و بزرگترین ادیان جهان است و همواره مرکز انصدام و کشمکش این ادیان بوده است. بسیاری از ادیان بزرگ تا اندازه زیادی خود را با قوانین و مقررات مدرن وفق داده اند و کمتر مخالفتی (حداقل در ظاهر) با قوانین لیبرال - دموکراتیک امروزه نشان می دهند. در مقابل دین اسلام که حداقل شش قرن جوان تر از بسیاری از ادیان بزرگ دیگر منطقه است، همواره در جنگ و کشمکش دائمی نه فقط با پیروان دیگر ادیان، بلکه با هم کیشان خود بوده است. اصولاً اسلام شاید



شش در کتاب شما به نظر میرسد به طور مداوم به برخی از تناقضات فرهنگی در خاورمیانه اشاره میشود، شما ریشه‌های سیاسی اجتماعی این تناقضات را چگونه توضیح میدهید؟

تضادها و تناقضات، ریشه‌ای عمیق در ترس و وحشت عمومی دارد. مردم در خاورمیانه همواره از ظلم و جور حکومت‌های خودکامه و استبدادی ترس و دلهره داشته‌اند. نه فقط حاکمان ظالم، بلکه گماشتگان و دست‌اندرکاران حکومتی تا پایین‌ترین رده‌های قدرت سیاسی در استفاده از قدرت و نفوذ خود برای اعمال ستم و تعدی بیشتر بر مردم هیچ ابائی نداشته‌اند. مکانیسم دفاعی مردم هم در این کارزار، جعل واقعیت، پنهان‌کاری و به ناچار دروغ گفتن و یا تغییر هویت بوده است. هجوم و گریزهای سیاسی، جنگ‌ها و حملات نظامی پی در پی تاریخی به همراه دخالت‌های بی پایان و گسترده دین و دغمای مذهبی در تمامی امور اجتماعی، محلی و خصوصی مردم، همگی در شکستن ساختارهای پیوسته جوامع خاورمیانه موثر بوده‌اند. این گسسته‌ها و فواصل نوعی بی‌اعتمادی و عدم اطمینان را موجب شده که به نوبه خود به ابراز رفتاری و هویتی متعارض، متناقض و گاه متزلزل، منجر گشته است. متأسفانه جو ترس و وحشت در خاورمیانه به نوع مخربی نیز در فرهنگ عمومی مردم، نخبه‌گان و مسئولان کشور تبلور می‌یابد. در اکثر مواقع، البته نه همیشه، مردم، نخبه‌گان و دست‌اندرکاران عالی‌رتبه در عوض روی آوری به قوه انتقاد، ادراک و برهان، بیشتر راه آسان‌تر پاچه‌خاری، تملق، دورویی و دوگانگی را پیشه کردند. در این عرصه، نظامیان نه امنیت و آسایش، بلکه ناامنی و سرکوب؛ نویسندگان نه آگاهی، بلکه تحریف و جعل و نادانی؛ آموزگاران، نه دانش و تعقل، بلکه خرافه و حماقت را ترویج کرده و همگی جبهه عظیمی در تقویت سیستم استبدادی هزاران ساله را برپا داشته‌اند.



تنها دینی باشد که با هجرت اجباری و جنگ‌های پی در پی (غزوات) بنیان‌گذارش و با ضرب شمشیر کارش را آغاز کرده باشد. طبق گزارش مورخ اسلامی، مسعودی، محمد پیامبر اسلام، شخصا در ۲۷ جنگ شرکت کرده است (مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۸). پس از مرگش همسر وی عایشه و پسر عمویش علی بر سر قدرت سیاسی وارد جنگ خانمانسوز جمل یا شتر شده‌اند که جان ۲۲ هزار مسلمان را گرفته است.

دین اسلام شاید تنها دینی باشد که تمایل بر کنترل تمام امور زندگی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را دارد. در حالیکه هرگز نتوانسته پاسخی درخور و منطقی برای حل مسائل جهان امروز ارائه نماید. مشکل دیگر در جهان اسلام وجود تفاسیر و تحلیلهای بسیار متناقض و متضاد از تقریباً تمامی دستورالعملها، قوانین و نوشته‌های به ثبت رسیده اسلام می‌باشد. نه فقط مابین مذاهب و مکاتب اسلامی، بلکه حتی در داخل هر یک از این مکاتب اختلافات هرمنوتیک و درگیریهای عقیدتی و ساخت شناسی فاحش و آشتی ناپذیر وجود دارد. همه این تضادها و کشمکشهای مذهبی، تأثیرات وحشتناکی بر مجموعه روابط و ساختارهای اجتماعی جوامع خاورمیانه گذاشته است و بر میزان و دامنه شکافهای موجود این جوامع افزوده است. مجموعه قوانین شریعت که فرهنگ، سیاست، اقتصاد و زندگی روزانه مردم را شکل داده است، در هیچیک از کشورهای اسلامی خاورمیانه شکل موزون و یکدستی نیافته است. به عنوان مثال ترک عقیده و ارتداد درکشوری سنگسار یا اعدام (ایران، عربستان)، در دیگری زندان و در بعضی دیگر جریمه (الجزایر و اردن) و یا با درجه ای از اغماض (مالزی و ترکیه) روبرو خواهد شد. دخالت گسترده دین و حاکمان دینی در امور عمومی، مردم عادی را به واکنش وادار ساخته و در بعضی ادیان از جمله مذهب شیعه جعفری اثنی عشری تقیه، دروغگویی و دو رنگی امری شایع، عادی و پسندیده جلوه داده شده است.